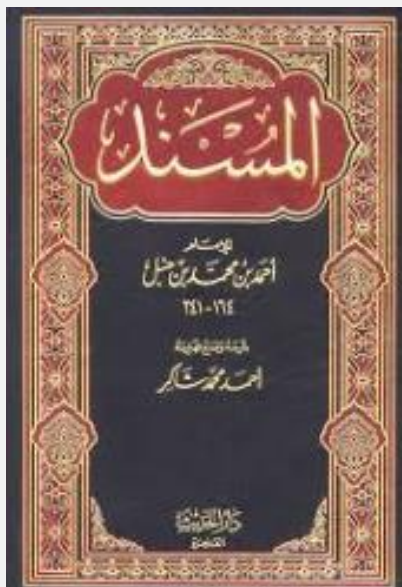




به مناسبت رحلت احمد بن حنبل؛ ابن حنبل؛ متن مدار گذشته گرا

احمد بن حنبل در جمع‌آوری و حفظ سنت سلف همت بسیاری کرد تا جایی که از محدثان به نام زمان خود شد، وی در جریان یک بحث کلامی در زمان مأمون سختی‌ها و مصائب بسیاری دید.

احمد بن حنبل در جمع‌آوری و حفظ سنت سلف همت بسیاری کرد تا جایی که از محدثان به نام زمان خود شد، وی در جریان یک بحث کلامی در زمان مأمون سختی‌ها و مصائب بسیاری دید.

ابوعبدالله احمد بن حنبل به سال 164ه ق در خاندان عرب تبار در بغداد متولد شد. پدرش از فرماندهان نظامی و جدش حنبل از فرمانروای سرخس در زمان امویان و پرچمداران جنبش عباسی بود. احمد از نوجوانی فراگیری علوم دینی را آغاز کرد و برخلاف گفتمان عقل‌گرایانه حاکم بر بغداد به نقل‌گرایش داشت و از 16 سالگی به گردآوری و نگارش احادیث روی آورد و از محضر اساتید و راویان برجسته بغداد بهره جست. وی برنامه حدیث پژوهی‌اش را از راه مسافرت ادامه داد و از شهرهای کوفه، بصره، مکه، مدینه، یمن، شام، مغرب، عراقین، فارس، خراسان و جبال دیدار کرد. احمد بن حنبل پس از یک دوره مسافرت طولانی با سرمایه‌های هنگفتی از احادیث و روایات که از اساتید و راویان سراسر دولت اسلامی گردآوری کرده بود به بغداد بازگشت و کتاب «مسند» را تألیف کرد.

احمد بن حنبل در دوران استقرار و ثبات خلافت عباسی می‌زیست؛ عصری که مذاهب گوناگون فقهی و کلامی معرکه‌ای از آرا را برپا کردند و جدال فکری شدیدی بین آنها جریان داشت. جریان‌های فکری رقیب هر یک کوشش می‌کردند برداشت‌های خود را از احکام و تعالیم دینی اصیل جلوه دهند در این هیاهو ابن حنبل دغدغه فهم ناب تعالیم و آموزه‌های دینی را داشت و از آمیخته شدن آن با یافته‌های بشری نگران بود. وی تنها منبع معتبر برای دستیابی به این هدف را متون دینی می‌دانست و کوشش می‌کرد به همه موضوعات و مسایل از دریچه نصوص بنگرد. از اینرو در برابر اهل رای قرار داشت و از کاربرد عقل در فهم احکام و تفسیر متون دینی پرهیز می‌کرد.

گذشته‌گرایی احمد بن حنبل واکنشی به عقل‌گرایی زمانه بود پرهیز از کاربرد عقل در فهم و تفسیر متن و خبر به مسائل فقهی محدود نمی‌شد بلکه موضوعات کلامی و اعتقادی را نیز در برمی‌گرفت. احمد بن حنبل از جدال‌های کلامی زمانه‌اش کناره‌گیری کرد و در این مسائل به بیان آرا گذشتگان بسنده و از بحث و استدلال عقلی خودداری می‌کرد. وی در داغ‌ترین بحث کلامی زمانه‌اش یعنی موضوع خلق قرآن، رفتن به زندان را بر پیروی از دیدگاه عقل‌گرایان و پذیرفتن مخلوق بودن قرآن را ترجیح داد. این ماجرا که در تاریخ اسلام به «محنت» معروف است مأمون عباسی با هدایت معتزلیان اعتقاد به خلق قرآن را اجباری کرد و به بازپرسی دانشمندان و زندانی کردن مخالفان فرمان داد. فرماندار عراق در پی این فرمان علمای به نام از جمله احمد بن حنبل را احضار کرد وی در بازجویی از این سخن که «قرآن کلام خداست» فراتر نرفت و از زمان خلافت مأمون تا زمان متوکل در زندان عباسی عمر سپراند.

خلافت علی(ع) را نیاراست بلکه علی بود که خلافت را آراست

نگرش مثبت احمد بن حنبل به سلف به ویژه صحابه آشکار بود. از دیدگاه وی ترتیب فضیلت خلفای راشدین همانند ترتیب به قدرت رسیدن آنها بود وی تصریح می‌کرد «هر کس امامت علی نپذیرد گمراه است... زیرا یاران رسول الله(ص) خلافت علی(ع) را پذیرفتند و در پشت وی نماز خواندند و به همراه وی نبرد کردند و حج رفتند و وی را امیرالمومنین لقب دادند». احمد در زمانی از حقانیت فرمانروایی و امامت علی(ع) دفاع می‌کرد که «متوکل ناصبی» خلافت را در دست داشت و ناصبیان علی(ع) را دشنام می‌گفتند اما احمد بن حنبل در پاسخ آنان می‌گفت «خلافت علی را نیاراست بلکه علی بود که خلافت را آراست علی بن ابی طالب از خاندانی است که هیچکس را نمی‌توان با آن مقایسه کرد» وی فضیلت‌های که با اسناد معتبر بر امام علی(ع) بیان می‌کرد برای هیچ یک از خلفا و صحابه نقل نکرده است.

سیرانوش موسوی